

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

موضوع :

عفاف و حجاب

مدرس :

فوزیه نوری

کارشناس ادیان و عرفان

فهرست

- تعریف عفاف و حجاب
- تاریخچه عفاف و حجاب
- عفاف و حجاب در ادیان
- عفاف و حجاب در اسلام
- نقش عفاف و حجاب در خانواده
- نقش عفاف و حجاب در مسئولیت پذیری
- فواید عفاف و حجاب
- حجاب و مردان
- نتیجه گیری
- آزمون

عفاف و حجاب :

تحقیق پیش رو درباره موضوع عفاف و حجاب می‌باشد قبل از بررسی نقش های عفاف و حجاب بهتر است در قدم اول به تعریف عفاف و حجاب بپردازیم.

تعریف عفاف و حجاب

حجاب چیست ؟ یک یا چند پارچه است که برای پوشاندن بخشی از سر یا بخشی از بدن استفاده می‌شود حجاب در لغت‌نامه دهخدا به معنی در پرده کردن / حجب / روگیری / عفاف / حیا و شرم معنا شده است .

عفاف چیست؟ عفت عبارت است از: باز داشتن نفس و گناه / باز داشتن قوای شهوانی از محرمات.

راغب اصفهانی در معنای عفت می‌نویسد: عفت یک حالت نفسانی است که مانع از تسلط شهوت و هوای نفسانی برای انسان است همچنین شهید مطهری در تعریف عفاف می‌فرمایند عفت حالت نفسانی است به معنای رام بودن قوای شهوانی تحت حکومت عقل و ایمان در واقع عفت به معنای خود کنترلی نظارت بر خویشستن پرهیزگاری جلوگیری از طغیان نفس در ارتکاب به معاصی می‌باشد بنابراین عفت به کسی گفته می‌شود که در برابر خواسته‌های نفسانی مقاومت نموده و خود را حفظ نماید حوزه عفاف بسیار گسترده است و شامل عفت در نگاه عفت در سخن عفت در شهوت و... می‌باشد .

فرق بین عفاف و حجاب:

عفاف و حجاب در معنای مفهومی یکسان دارند هر دو به معنای بازداشتن و ایجاد مانع است اما عفاف ناظر به صفت درونی و بازداشتن غرایز و تمایلات سرکش نفس حیوانی و شهوانی است حال آنکه حجاب به مفهوم ایجاد پوشش در برابر نامحرمان است حجاب پوشش ظاهری است و عفت یک خصلت و بینش و منش است

حجاب پوشش بیرونی است و عفت پوشش درونی است

حجاب می‌تواند ریایی تحمیلی ظاهری و یا غیر اختیاری باشد ولی عفت یک خصلت و ارزش اختیاری است

شاید سوال در ذهن‌ها تداعی شود که چرا عفاف و حجاب را در کنار هم بیان کرده‌اند و در مباحث بسیاری این دو مقوله از یکدیگر جدا نیستند همانگونه که آگاهی هدف انسان رسیدن به کمالات می‌باشد و برای به دست آوردن این کمالات راستین ما نیازمند آن هستیم که بتوانیم عفاف و حجاب را با همدیگر در وجود خود نقش ببندیم در واقع عفاف و حجاب لازم و ملزوم یکدیگرند.

تاریخچه عفاف و حجاب:

مبحث حجاب به زمان یونان باستان برمی‌گردد نقش برجسته‌ها و مجسمه‌های دوران باستان شناسی نشان می‌دهند که پوشش سر و موها پیشینه تاریخی دارد زنان باید پارچه‌های بلندی را تا روی پاهای خود به تن می‌کردند، همچنین زنان رومانی و عده‌ای از تاریخ نگاران همچون ویل دورانت معتقدند: حجاب از میان زنان ایران باستان و هند در میان برخی دیگر کشورها و آیین‌ها رواج یافته است.

در منطقه بین النهرین لباس‌های زنان پوشیده‌تر از لباس‌های مردان بود در یکی از آثار ۴ هزار سال پیش از میلاد زن بین‌النهرینی که نقشی از او باقی مانده با تکه پارچه کوچکی سرش را پوشانده است، همچنین در مصر باستان حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد در تصاویری که نقاشی مصری کشیده شده دختران تمام بدن و پسران نیمه پایین بدن خود را پوشانده بودند.

جالب آن است که بدانییم؛ رومی‌های باستان کسانی را که لباس تنگ می‌پوشیدند مجازات می‌کردند، زنان رومی لباسشان ردای بلندی بود که تا مچ پا می‌پوشیدند که استولا نام داشت وقتی از خانه خارج می‌شدند با چادری بلند تمام بدن را تا روی پا می‌پوشاندند و اثری از برآمدگی‌های بدن مشخص نمی‌شد. در قرن اول تا ۱۶ میلادی زنان اروپایی از لباس‌های پوشیده استفاده می‌کردند.



مورخ معروف ویل دورانت می‌نویسد: بلندی لباس‌های بانوان اصیل اروپایی تا روی پاها می‌رسید زنان اشرافی به ندرت در انظار عمومی ظاهر می‌شدند.

در کشورهای انگلیس، آلمان، فرانسه، اسپانیا هم در تاریخ به پوشش زنان اشاره شده است و همچنین در کشورهای شرق دور مانند هند، کره، ژاپن، چین به نقش حجاب و حضور حجاب در جامعه آنان اشاراتی شده است. عده‌ای از دانشمندان تاریخ حجاب و پوشش زن را به دوران ماقبل تاریخ و عصر حجر نسبت می‌دهند.



« کتاب زن در آئینه » تاریخ پس از طرح مفصل علل و عوامل تاریخی حجاب می‌نویسد : با توجه به علل ذکر شده و بررسی آثار نقوش به دست آمده پیدایش حجاب به دوران پیش از مذاهب مربوط می‌شود .

قابل ذکر است که در دوران مادها هخامنشیان اشکانیان ساسانیان با توجه به مقتضیات پادشاهی و حکومت زمانه خود زنان دارای حجاب بوده‌اند.



عفاف و حجاب در ادیان:

در ادیان آسمانی از حجاب صحبت‌هایی به میان آمده است در کتاب تورات می‌خوانیم که در شریعت ابراهیم پوشش برای زن تعریف شده است در اصول اخلاقی دین یهود نوشته شده اگر زنی در آیین یهودی بدون پوشش در انظار ظاهر می‌شد شوهرش اجازه داشت تا او را طلاق دهد در آیین مسیحیت هم زنان دارای پوشش بودند در انجیل از زنان خواسته شده که سر خود را بپوشانند همچنین در انجیل گفته شده است که زنان خود را بیارایند به لباس حیا و پرهیز، نه به زلف‌ها و طلا و مروارید و رخت‌های گرانبها.

عفاف و حجاب در اسلام:

در قرآن مجید بیش از ۱۰ آیه در مورد حجاب و حرمت نگاه به نامحرم وجود دارد سوره احزاب آیه ۵۹ می‌فرماید ای پیامبر به زنان و دختران و نیز به زنان مومنین بگو خود را بپوشند تا شناخته نشوند و مورد اذیت و آزار قرار نگیرند و خداوند بخشنده مهربان است در سوره نور آیه ۳۱ مفصلاً در مورد حجاب و حرمت نگاه به نامحرم سخن به میان آمده است در قرآن از کلمه جلاب به معنی یک پوشش سراسری است یعنی زن باید همه اندامش پوشیده باشد تا همچون گلی لطیف از دسترسی هوسرانان مصون و محفوظ بماند.

مفهوم و ابعاد حجاب در قرآن :

حجاب در لغت به معنای مانع، پرده و پوشش آمده است. استعمال این کلمه، بیش تر به معنی پرده است. این کلمه از آن جهت مفهوم پوشش می دهد که پرده، وسیله ی پوشش است، ولی هر پوششی حجاب نیست؛ بلکه آن پوششی حجاب نامیده می شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد.



حجاب، به معنای پوشش اسلامی بانوان، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است. بُعد ایجابی آن، وجوب پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم است؛ و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر باشند تا حجاب اسلامی محقق شود؛ گاهی ممکن است بُعد اول باشد، ولی بُعد دوم نباشد، در این حالت نمی توان گفت که حجاب اسلامی محقق شده است.

اگر به معنای عام، هر نوع پوشش و مانع از وصول به گناه را حجاب بنامیم، حجاب می تواند اقسام و انواع متفاوتی داشته باشد. یک نوع آن حجاب ذهنی، فکری و روحی است؛ مثلاً اعتقاد به معارف اسلامی، مانند توحید و نبوت، از مصادیق حجاب ذهنی، فکری و روحی صحیح است که می تواند از لغزش ها و گناه های روحی و فکری، مثل کفر و شرک جلوگیری نماید.

علاوه بر این، در قرآن از انواع دیگر حجاب که در رفتار خارجی انسان تجلی می کند، نام برده شده است؛ مثل حجاب و پوشش در نگاه که مردان و زنان در مواجهه با نامحرم به آن توصیه شده اند.

هدف و فلسفه حجاب :

هدف اصلی تشریع احکام در اسلام، قرب به خداوند است که به وسیله‌ی تزکیه‌ی نفس و تقوا به دست می‌آید:

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ (حجرات؛ ۱۳) بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقوا ترین شماست.

—هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛

اوست خدایی که میان عرب امّی (قومی که خواندن و نوشتن هم نمی‌دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان قوم برانگیخت، تا بر آنان وحی خدا را تلاوت کند و آنها را (از لوث جهل و اخلاق زشت) پاک سازد و کتاب سماوی و حکمت الهی بیاموزد؛ با آن که پیش از این، همه در ورطه‌ی جهالت و گمراهی بودند.

از قرآن کریم استفاده می‌شود که هدف از تشریع حکم الهی، وجوب حجاب اسلامی، دستیابی به تزکیه‌ی نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی است. آیاتی همچون:

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ؛

ای رسول ما مردان مؤمن را بگو تا چشم‌ها از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان اصلح است.

• حجاب چشم

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ (نور؛ ۳۰) ای رسول ما به مردان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند.

قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ (نور؛ ۳۱) ای رسول به زنان مؤمن بگو تا چشم‌ها را از نگاه ناروا بپوشند.

• حجاب در گفتار

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب گفتاری زنان در مقابل نامحرم است:

فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ (احزاب؛ ۳۲) پس زنهار نازک و نرم با مردان سخن نگوئید؛ مبادا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد.

• حجاب رفتاری

نوع دیگر حجاب و پوشش قرآنی، حجاب رفتاری زنان در مقابل نامحرم است. به زنان دستور داده شده است به گونه‌ای راه نروند که با نشان دادن زینت‌های خود باعث جلب توجه نامحرم شوند

وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ (نور؛ ۳۱) و آن طور پای به زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود.

از مجموع مباحث طرح شده به روشنی استفاده می‌شود که مراد از حجاب اسلامی، پوشش و حریم قایل شدن در معاشرت زنان با مردان نامحرم در انحای مختلف رفتار، مثل نحوه‌ی پوشش، نگاه، حرف زدن و راه رفتن است.

بنابراین، حجاب و پوشش زن نیز به منزله‌ی یک حاجب و مانع در مقابل افراد نامحرم است که قصد نفوذ و تصرف در حریم ناموس دیگران را دارند.

نقش عفاف و حجاب در خانواده :

حجاب و استحکام خانواده

خانواده با اهمیت‌ترین نهاد اجتماعی است ، خانواده کانون عشق و امید و تحقق آرزوهای آدمی و مرکز تولد و پرورش نسل بشر است ؛ به گونه‌ای که هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند بدون خانواده پایدار بماند.

در معارف الهی خانواده مهم‌ترین جایگاه پرورش انسان است ، قرآن کریم همسران را « لباس » یکدیگر می‌داند و بدین ترتیب نقش هر یک را معین می‌کند ، زن و شوهر نزدیک‌ترین افراد به یکدیگرند و چون لباس ، یکدیگر را از آفات و آسیب‌های عفت سوز و ایمان برانداز حفظ می‌کنند. افزون بر این ، آن‌ها مانند لباس ، مایه وقار و آراستگی یکدیگرند ، بی‌تردید این نقش در پرتو تفاوت زن و شوهر شکل می‌گیرد.

غریزه جنسی یکی از علل مهم ازدواج و به وجود آمدن خانواده است؛ اما برای پایداری‌اش کافی نیست ، بعد از ازدواج به تدریج با گذر زمان اهداف جدید شکل می‌گیرد ؛ خواسته‌های زیستی و جنسی اندک اندک جای خود را به نیازهای روانی و امنیتی و عاطفی و شناختی می‌دهد و دیگر سرمایه عشق ورزی به تنهایی برای تأمین اهداف خانواده و خواسته‌ها کافی نیست.

نخستین شرط دستیابی بدین اهداف و تأمین خواسته‌های جدید ، آن است که زن و شوهر از هویت و خواست‌های فردی دست شویند و به سوی پی‌ریزی هویتی جمعی گام بردارند .

چنانچه هر کس فقط خواهش خویش را پی‌گیرد؛ زن در جهت تجمل و خودنمایی و مورد پسند واقع شدن در اجتماع و جلب توجه مردان گام بردارد ؛ در دغدغه مقبولیت خویش فرو رود و نقش مادری را به فراموشی سپارد و از آن سوی مرد در اندیشه رسیدن به تمکین‌های نوتر و پر رونق‌تر به سر می‌برد و نقش پدری را فراموش کند لذا بنیان خانواده بر باد می‌رود.

بی‌تردید کانون خانواده با اموری چون توجه به لباس و بدن و روی و موی و انگشت نما شدن و مشخص‌تر معرفی کردن خود ، پیوند تنگاتنگ دارد و پرداختن بدین امور و فراموش کردن اهداف خانواده و نیازهای برتر، پایه‌های خانواده را متزلزل می‌سازد.

عفاف و حجاب و مسئولیت‌پذیری :

حجاب و مسئولیت‌پذیری

هر کس در برابر خود و دیگران مسئول است ، انجام موفقیت‌آمیز مسئولیت به استعداد و برخورداری از توانمندی‌های متناسب و ظرفیت‌های روان شناختی و جسمی نیاز دارد ، توفیق در پاره‌ای از مسئولیت‌ها و حتی سپردن برخی از مسئولیت‌ها به حجاب تکیه دارد و افرادی که بی‌حجابی پیشه می‌کنند، توان انجام آن را ندارند.

این گروه ناگزیر باید به خویش بپردازند و چنان که امروزه مشاهده می‌کنیم چاره‌ای ندارند جز آن که انجام آن مسئولیت‌ها را به دیگران و حتی مردان بسپارند.

این افراد ، افزون بر آن که خود به دلیل ناتوانی یا شانه خالی کردن از انجام دادن مسئولیت‌های فردی باز می‌مانند ، با روحیه و وضعیت بدنی خاص خویش محیط را آلوده و موقعیت را برای فعالیت مسئولیت پذیرانه نامساعد می‌سازند ، بر این اساس ، بازدهی فعالیت‌های خانوادگی و اجتماعی را کاهش می‌دهند و حتی دقت عمل را دچار اختلال می‌کنند.

به عبارت دیگر ، این افراد خود ناتوان می‌مانند و دیگران را نیز از انجام دادن تعهدات و مسئولیت‌هاشان باز می‌دارند.

فرد بی‌حجاب با رعایت نکردن این شرط در واقع از قبول مسئولیت خودداری ورزیده ، در پی خواسته‌های خود می‌رود و حتی دیگران را از انجام تعهدهای پذیرفته شده باز می‌دارد ، بنابراین، حجاب هرگز به معنای محدود کردن حوزه مسئولیت زن نیست ، حجاب شرط موفقیت در انجام دادن مسئولیت‌ها و سپردن برخی مسئولیت‌ها است.

نقش حجاب و رشد شخصیت :

حجاب و رشد شخصیت

شخصیت ، مجموعه افکار ، عواطف ، عادت‌ها و اخلاقیات یک انسان است که به تمایز وی از دیگران می‌انجامد ، به عبارت دیگر ، مجموعه صفات و ویژگی‌های جسمی ، روانی و رفتاری که هر انسان را از انسان‌های دیگر متمایز می‌سازد ، شخصیت نام دارد.

بر این اساس ، هر کس شخصیتی دارد که خود را با آن معرفی می‌کند و دیگران نیز او را به همان ویژگی‌ها می‌شناسند.

در « روان‌شناسی کمال » انسان رشد یافته که انسان خواستار تحقق خود معرفی می‌گردد، این گونه توصیف شده است ؛ انسانی که نیازهای سطوح پایین (نیازهای جسمانی، ایمنی، تعلق، محبت و احترام) را پشت سر نهاده در صدد استفاده از توانایی‌ها و قابلیت‌های خود است و به دنبال به فعلیت رساندن خویشتن و تحقق خویش است.

اکنون باید دید فرصت رشد شخصیت با رعایت حجاب بیش تر فراهم می گردد یا با عدم رعایت آن؟ انسانی که پیوسته نگران زیبایی خود است و بیش تر در جهت معرفی پیکر خود می کوشد، بهتر می تواند قابلیت های خود را بشناسد و به فعلیت برساند یا آن که سر در باغ اندیشه دارد؟

آیا توجه به نیازهای جسمانی و سطحی به انسان امکان رشد می دهد یا توجه به نیازهای عالی و مخصوص انسان ها؟ آیا غرق شدن در خود نمایی و جلب توجه دیگران مسیر منتهی به یافتن خویشتن است؟

انسانی که زندگی اش تحت فرمان و اراده اش نیست، در حس هویت یابی خود دچار شکست شده است، تا چه رسد به آن که هویتش را به کمال رساند، زیرا سلیقه و خواست دیگران در زندگی اش تأثیر می گذارد و چنان زندگی می کند که دیگران می پسندند، نه آنگونه که خود می پسندد.

بی حجاب در اندیشه نمایش خود و زیبایی خویش است، این امر که عقده حقارت انسان را می نمایاند، زمینه رشد و تعالی وی را نابود می سازد، در حالی که زن مانند مرد یک انسان است و باید از نظر انسانی رشد و تکامل یابد، کسی که با نمایش زیبایی خود و گزینش پوششی ویژه در اندیشه جلب نظر دیگران به سر می برد، در حقیقت می خواهد با تکیه بر جذابیت های ظاهری خویش و نه اصالت ها و ارزش های متعالی خود، جایی در جامعه بیابد

در واقع او از این طریق اعلام می دارد، آنچه برایش اصل است و اهمیت دارد، « زن بودن » او است نه انسانیت و اندیشه و لیاقت و کارایی اش، چنین فردی قبل از همه اسیر خویش است و به مغازه داری شبیه است که پیوسته در اندیشه تزیین ظاهر و تغییر دکور خود به سر می برد و فرصت پرداختن به آرزوهای بزرگ تر را نمی یابد

فواید حجاب:

۱. حجاب، زنان را از آزار و اذیت (به ویژه از جانب مردان) محافظت می کند

برخی مردان معمولاً علاقه دارند با نگاه کردن به زنان، خود را سرگرم کنند و لذت ببرند؛ و همین عامل، می تواند به آزار و اذیت زنان منجر شود. به علاوه، رعایت حجاب، تا حدود زیادی زنان را از هرگونه آزار و اذیت (به ویژه از جانب مردان) محافظت خواهد کرد، زیرا بدن شان به وسیله ی حجاب پوشیده می شود.

۲. حجاب باعث تقویت پاکی و عفت در زنان می شود

حجاب، پاکی و عفت زنان مسلمان را به خود و دیگران یادآور می‌شود. یکی دیگر از فواید حجاب این است که نشان می‌دهد زنان در برابر تمام بدی‌ها و وسوسه‌های شیطانی محافظت می‌شوند؛ از این رو، آن‌ها معمولاً پاک و عفیف هستند. هر چند، شخصیت خوب زنان نیز اصالت و حقانیت حجاب را تقویت می‌کند.

۳. حجاب به عنوان نمادی از تعهد عمل می‌کند

یکی دیگر از فواید حجاب این است که به عنوان نمادی از تعهد زن به یک مرد عمل می‌کند. هیچ کس دیگری حق ندارد به دنبال لذت‌جویی از آن‌ها باشد، زیرا آن‌ها تنها متعلق و متعهد به همسرشان هستند. به علاوه، حجاب می‌تواند به عنوان نمادی برای تعهد به خدا یا به مذهب اسلام نیز عمل کند.

۴. حجاب باعث می‌شود دیگران فقط بر شخصیت زن تمرکز کنند

رعایت حجاب به این معنی است که ویژگی‌های جسمی و زیبایی‌های زنان پوشیده شوند؛ همین عامل باعث می‌شود، دیگران فقط بر شخصیت آن‌ها تمرکز داشته باشند. به این ترتیب، زنان محجبه نه به ویژگی‌های جسمی‌شان، بلکه به زیبایی‌های درونی‌شان افتخار می‌کنند.

۵. حجاب چشم به هم چشمی را کم می‌کند

زنان همواره در معرض رقابت‌ها و چشم به هم چشمی‌ها در خرید و استفاده از لباس‌های گران‌قیمت قرار دارند؛ حجاب از تأثیرات منفی این رقابت‌ها و چشم به هم چشمی‌ها و تنزل قدر و ارزش سایر زنان می‌کاهد. به علاوه، تمام زنان محجبه شبیه یکدیگر می‌شوند، و نمی‌توان آن‌ها را بر اساس قیمت لباس‌های‌شان قضاوت کرد.

۶. حجاب باعث بهبود عزت نفس زنان می‌شود

همان‌طور که حجاب باعث تقویت پاکی و عفت در زنان می‌شود، می‌تواند به بهبود عزت نفس آن‌ها نیز کمک کند. عزت نفس زنان بر اساس نحوه‌ی پوشش‌شان سنجیده می‌شود؛ و این در حالی است

که رعایت حجاب یعنی بزرگ داشتن و حفظ عزت بدن زن. رعایت حجاب راهی است برای افزایش عزت نفس زنان؛ و شخصیت خوب زنان نیز می تواند عزت نفس شان را دو چندان کند.

۷. حجاب باعث بهبود سطح بهداشت زنان می شود

حجاب علاوه بر حفظ پاکی درون، باعث حفظ پاکی و بهداشت بدن زنان نیز می شود. از آن جا که بدن زنان با حجاب پوشیده می شود، در برابر آلودگی ها و سایر آسیب های احتمالی نیز محافظت می شود. طبق نتایج یک مطالعه، زنان محجبه ۴۰ تا ۶۰ درصد کم تر از دیگران گرما را از طریق سر از دست می دهند. از این رو، پوشاندن سر یا رعایت حجاب در ماه های سرد سال می تواند به حفظ سلامتی شان کمک کند.

۸. حجاب باعث می شود دیگران بر هوش و ذکاوت زن تمرکز کنند

وقتی بدن زن توسط حجاب پوشانده می شود، معمولاً سایر آدم ها بر جنبه های دیگر زن، از جمله هوش و ذکاوت وی، تمرکز می کنند. شخصیت خوب، و هوش و ذکاوت زنان محجبه باعث خواهند شد در جامعه، و به خصوص در نگاه مردان، از ارزش بالاتری برخوردار باشند. زیرا زنان محجبه نه به ویژگی های جسمی شان، بلکه به ارزش های درونی شان افتخار می کنند.

۹. حجاب باعث ایجاد احساس آرامش و آسایش خاطر می شود

از آن جا که رعایت حجاب می تواند خطر آزار و اذیت زنان را کاهش دهد، روح و روان زنان محجبه نیز آرام و آسوده خواهد بود. احساس آرامش و آسایش خاطر احتمالاً به این دلیل ایجاد می شود که آن ها از قوانین اسلام تبعیت می کنند و با دوری از گناهان، احساس پاکی و عفت می کنند.

۱۰. حجاب باعث کاهش ارتکاب به گناه می شود

تمام زنان مسلمان ملزم به پوشاندن سر و بدن شان هستند. از آن جا که این مسئله جزء یکی از دستورات الهی است، آن هایی که حجاب را رعایت نمی کنند، به احتمال زیاد بیش تر از زنان محجبه مرتکب گناه خواهند شد. به علاوه، هر چه انسان کم تر گناه کند، بیش تر به بهشت نزدیک می شود.

حجاب و مردان:

یکی از مهم‌ترین آداب اجتماعی دین مبین اسلام، مسئله «حجاب» است. برخلاف باور عموم مردم، این آموزه تنها مختص زنان نیست؛ بلکه حجاب مردان در اسلام مهم است و در قرآن و روایات بسیاری از ائمه اطهار (ع)، رعایت حجاب به مردان نیز توصیه شده است.

خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: ای رسول ما، مردان مومن را بگو تا چشم از نگاه ناروا بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند، که این بر پاکیزگی جسم و جان ایشان اصلح است.

حجاب مردان در اسلام و رعایت عفت آقایان، در دو معنا به کار رفته است. معنای اول که مشخصاً در قرآن کریم ذکر شده است، حجاب چشم و پرهیز از نگاه حرام است. این نکته آن قدر در نظریه اجتماعی اسلام مورد اهمیت است که بخشی از احکام فقهی، «احکام نگاه کردن» نامیده شده است. قرآن کریم وظیفه اصلی مردان در برابر زنان را مراقبت از نگاه و قرار دادن حجاب در برابر چشم می‌داند. اهمیت این نکته تا آنجاست که خداوند متعال، این وظیفه را مقدم بر وظیفه رعایت حجاب در زنان می‌داند.

تلقی دوم از حجاب اما همان تلقی عرفی از پوشش مردان است. اگرچه بر اساس منابع دینی، مردان تنها موظف به پوشاندن عورتین در برابر زنان هستند، اما این حکم کلی، تبصره‌های شرعی و اخلاقی متعددی دارد. نکته اول آن است که بر اساس نظر اسلام، برهنگی هر کدام از اندام مرد، حتی بازوان او، اگر به جهت تحریک نامحرم بوده و یا حتی ناخواسته موجب آن بشود، جایز نیست. در واقع حتی اگر مرد نیتی برای خودنمایی و جلب توجه نامحرم ندارد، اما می‌داند که پوشش او موجب گناه می‌شود، باید از آن پرهیز کند. حال مصداق این پوشش می‌تواند لباس آستین کوتاه، شلوار تنگ و پاره و یا هر لباس دیگری باشد. در برابر این موضوع اما نگاه زن نیز به بدن مرد نامحرم، اگر موجب تحریک بوده و یا به قصد لذت باشد، مطلقاً حرام است.

نتیجه گیری :

عده‌ای که می‌گویند مذهب موجد حجاب می‌باشد صحت ندارد، ولی باید پذیرفت که در دگرگونی و تکمیل آن بسیار موثر بوده است. نتیجه می‌گیریم که هدف و فلسفه حجاب در اسلام تشریح حکم الهی دستیابی به تزکیه نفس، طهارت، عفت و پاکدامنی است.

اهداف:

هدف از تحقیق بعمل آمده این است که شناخت صحیح و کاملی نسبت به موضوع عفاف و حجاب داشته باشیم تا بتوانیم آنها درونی ساخته و در خانواده و اجتماع به نحوه احسن آنها پیاده سازیم.

شناخت از مسائل دینی موجب کسب آگاهی و اطمینان قلبی می شود. باید سعی کنیم که با علم و آگاهی، شناخت و اطلاعات خود را درباره مباحث مذهبی بالا برده و با تفکر کورکورانه آنها را نقد و بررسی نکنیم.

خداوند در قرآن کریم می فرماید ایمانی صحیح است که از روی آگاهی و باور باشد.

در این ره چون ساربانند

دلیل و رهنمای کاروانند